



Between Sunni and Shi'ite Narrations; A Critical-Comparative Study on (Q. 2:207)'s Occasion of the Revelation

Ezzatullah Mola'inia*

Received: 2021/4/17 | Accepted: 2021/8/5

Abstract

As the worse of aftermaths of *thaqīfa* turmoil, the seeds of discord and disagreement were sown in all Islamic thoughts and teachings, even *tawhīd* (monotheism), *nubuwwa* (prophecy), and *ma'ād* (resurrection). There were serious differences, especially in the case of Imamate, which could guarantee the survival of Islam. It can be said that the controversy has escalated so much that both Sunni and Shi'ite scholars have never written about anything as much as the Imamate to reject each other. In such a way, the verses Wilaya (guardianship) have always been the most challenging issue between both Islamic schools throughout their history, which seems full of vicissitudes. (Q. 2:207) is one of the most famed Qur'anic verses that the Shi'ite exegetes, as well as some Sunni ones, emphasize that its occasion of the revelation concerns Imam 'Alī b. Abī-Ṭālib (PBUH) and his self-devotion for Prophet Muhammad (PBUH) in *layla al-mabūt* the night of asleap). Although some research has been organized about (Q. 2:207) so far, the present study, while respecting all, has studied and analyzed the occasion of the revelation of the mentioned verse only from the viewpoints of the narrations remained of the two major Islamic schools. While answering the doubts, the present study has concluded that the narrations of the revelation of the verse about 'Alī (PBUH) in *layla al-mabūt* have a considerable frequency and have a definite indication of his absolute virtue and immediate succession. Hence, there is no place for doubt and suspicion concerning its historical implications.



Keywords: Comparative, Study, Reception, Sunni Narrations, Shi'ite Narrations

* Associate Professor, Department of Qur'anic and Hadith Studies, University of Qom | molaeiniya@gmail.com

■ Mola'inia, E. (2022) Between Sunni and Shi'ite Narrations; A Critical-Comparative Study on (Q. 2:207)'s Occasion of the Revelation. *Biannual Journal of Comparative Exegetical Researches*, 7 (14) 35-62 · Doi: 10.22091/PTT.2021.5804.1807.





نقد و بررسی شأن نزول آیه ۲۰۷ بقره در روایات فریقین

عزت اله مولایی نیا*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۲۸ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۴

چکیده

پس از جریان «سقیفه»، بذر اختلاف در همه معارف اسلامی حتی توحید، نبوت، معاد، به ویژه امامت که ضامن بقای اسلام بود، پاشیده شد و نزاع در مورد امامت چنان بالا گرفت که می توان گفت فریقین تاکنون در مورد هیچ موضوعی به اندازه امامت در رد یک دیگر مطلبی ننوشته اند به گونه ای که آیات ولایت همواره در همه دوره ها پرچالش ترین موضوع میان فریقین بوده است؛ هم چنین آیه «وَمَنْ التَّاسِیَ مَنْ تَشْرِی نَفْسُهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ» است که قاطبه امامیه و عدّه بسیاری از عامه، بر فرویش آن در مورد امام علی (ع) در «لیلة المبیت» تاکید دارند. در مورد این آیه تاکنون کارهایی سامان یافته است، اما پژوهش حاضر با ارج گذاری بر همه آن ها شأن نزول آیه را تنها از نگاه روایات فریقین نقد و بررسی کرده و ضمن پاسخ به شبهات، به این نتیجه رسیده که روایات فرویش آیه در مورد امام علی (ع) در «لیلة المبیت» تواتر معنوی داشته و بر فضیلت و جانشینی بالفصل ایشان دلالت قطعی دارد و دیگر جایی برای تردید و شبهه پراکنی وجود ندارد.



واژگان کلیدی: نقد، بررسی، شأن نزول، روایات فریقین.

* دانشیار و عضو هیات علمی گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قم، ایران. | molaeiniya@gmail.com



مقدمه

تاریخ اسلام، پر از حوادث مهمی است که نقش زیادی در سرنوشت مسلمانان رقم زده است؛ اما برخی از آن‌ها، تأثیر انحصاری در روند اسلام داشته؛ مانند حادثه «لیله المیبت»: شبی که رسول خاتم (ص) به فرمان خداوند مکه را به قصد غار ثور ترک نموده، سه روز بعد به سوی مدینه حرکت کردند. هنگام ترک منزل گروهی از مشرکان اطراف منزل را محاصره کرده بودند. لذا ایشان به علی (ع) دستور دادند در جای او بخوابد تا مهاجمان از خروج ایشان آگاه نشوند. علی (ع) پرسیدند: «با خوابیدن من شما سالم می‌مانید؟» فرمود: «بلی». رسول خدا با تلاوت آیه ۹ سوره «یس»، از بین مهاجمان بیرون رفتند و آن‌ها متوجه نشدند. (حاکم نیشابوری، بی تا، ج ۳، ص ۱۳۳). آن گاه آیه ۲۰۷ بقره، درباره علی (ع) نازل شد (یعقوبی، بی تا، ج ۲، ص ۲۹). برخی از پژوهش‌گران تاریخی، تفسیری و حدیثی، از گزارش حادثه به این مهمی چشم‌پوشی کرده و از این فداکاری بزرگ علی (ع) چیزی نوشته و یا به صورت گذرا از آن عبور کرده‌اند. حتی گروهی همه تلاش خود را به کار بسته‌اند تا آیاتی که درباره «لیله المیبت» فرویش یافته - با وجود اسناد و منابع بسیار فراوان آن در آثار فریقین - به اشخاص دیگری نسبت دهند و قرآن را برخلاف «ما أنزل الله» تفسیر کنند.

نوشتار پیش رو، دیدگاه‌های فریقین را در آینه روایات بررسی کرده و شبهات آن را پاسخ گفته است. درباره پیشینه تاریخی این مسأله تا آن جا که بررسی شد، به نوشته مستقلی برنخوردیم، بلکه اغلب پژوهش‌گران تنها آن را به گونه عام گزارش کرده‌اند. از این رو پژوهشی که معنا و شأن نزول این آیه را از نظر روایات فریقین بررسی کند یک نیاز ضروری است. پیش از بررسی آراء فریقین در مورد آیه از نگاه روایات، به شرح مفاهیم کلیدی آن می‌پردازیم:

۱. شأن نزول: هرگاه برای مناسبت یا جریانی در مورد شخص و یا حادثه‌ای، خواه در گذشته یا حال یا آینده و یا درباره فرض احکام شرعی، آیه یا آیاتی نازل شود، همه آن موارد شأن نزول نامیده می‌شود. (معرفت، ۱۳۷۵ ش، ص ۶۵)
۲. روایات، سلسله‌احادیثی که عامه عمدتاً از رسول خدا (ص)، صحابه، تابعین و تابعین تابعین گزارش کرده‌اند و شیعه از طریق ائمه اهل بیت عصمت از رسول خدا نقل کرده است.
۳. فریقین یعنی شیعه امامیه، زیدیه، اسماعیلیه و اهل سنت (اشاعره، معتزله و ماتریدیه).

شأن نزول آیه

یکی از شاخص‌های مهم تعیین مراد پروردگار عالم در آیات نورانی قرآن کریم در کنار دیگر شاخص‌ها، روایات شأن نزول آنهاست. اگر این روایات به حدّ تواتر حتی بر سایر قراین مقدم شود، مانند تواتر علم آور است و دیگر قراین ظن آور، هرگز توان مقابله با متواتر را ندارد. چنان که خواهیم دید، روایات شأن نزول آیه *وَمَنْ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ...* در مورد علی (ع) تواتر معنوی دارد؛ زیرا قاطبه شیعه و بسیاری از عالمان عامه بر آن اتفاق نظر دارند و در دوران صحابه و تابعین در مورد آن هرگز اختلافی نبوده است؛ چنان که خود حضرت در موارد مختلف، از جمله شورای عمر آن را مطرح کردند و از آنان چنین اقرار گرفتند: «من به فرمان رسول خدا در بستر او خوابیدم و آیه *... مَنْ يَشْرِي...* در حق من نازل شد و همگان او را تصدیق کردند». (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۴۲)

و نیز با سرودن اشعار ذیل، بر نزول آیه در مورد خویش، تأکید می‌کردند که هیچ‌گونه شبهه‌ای را دیگر در آن باقی نمی‌گذارد:

«وَقَيْتُ بِنَفْسِي خَيْرَ مَنْ وَطَأَ الْحِصَا وَمَنْ طَافَ بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ وَبِالْحِجْرِ
مُحَمَّدٌ لَمَّا خَافَ أَنْ يَمَكُرُوا بِهِ فَوْقَاهُ رَبِّي ذُو الْجَلَالِ مِنَ الْمَكْرِ
وَبِتُّ أُرَاعِيهِمْ مَتَى يَنْشُرُونَنِي وَقَدْ وَطِئْتُ نَفْسِي عَلَى الْقَتْلِ وَالْأَسْرِ
وَبَاتَ رَسُولُ اللَّهِ فِي الْغَارِ آمِنًا هُنَاكَ وَفِي حِفْظِ الْإِلَهِ وَفِي سَتْرِ»
(العالمی، ۱۴۲۸، ج ۴، ص ۱۸۹ و ۲۱۹)^۱

و خود حضرت امیر (ع) ماجرا را چنین شرح می‌دهند:^۲

«رسول خدا دستور داد که در جای او بخوابم و با نثار جانم، او را از کشته شدن نجات دهم و من با خوش حالی در آن جا خوابیدم و رسول خدا به طرف غار ثور حرکت کرد. مهاجمان وارد اتاق شدند و من از جا برخاستم و با شمشیر آنان را از خانه بیرون راندم». (العالمی، ۱۴۲۸، ص ۲۲۰؛ شیخ طوسی، ۱۴۳۰، ج ۲، ص ۳۳۴، ح ۸۶۸؛ مجلسی، ۱۴۲۹، ج ۱۹، ص ۶۳-۶۴)

۱. نک. نور الابصار، شبلنجی، ص ۸۶؛ شواهد التنزیل، حسکانی، ج ۱، ص ۱۰۲؛ مستدرک حاکم نیشابوری، ج ۳، ص ۴؛ امالی شیخ طوسی، ج ۲، ص ۸۳؛ تذکره الخواص، ص ۳۵؛ فراند السمطين، حموی، ج ۱، ص ۳۳۰؛ مناقب خوارزمی، ص ۷۴-۷۵؛ بحار الانوار، ج ۱۹، ص ۶۳؛ تاریخ الخميس ج ۱، ص ۳۲۵؛ السيرة النبوية، زینی دحلان.
۲. «وَ أَمَرَنِي رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَنْ اضْطَجِعَ فِي مَضْجَعِهِ وَ أَقْبَهُ بِنَفْسِي فَأَسْرَعْتُ إِلَى ذَلِكَ مَطِيعاً لَهُ مَسْرُوراً لِنَفْسِي بَأَنْ أُقْتَلَ ذُوئَهُ،

اگر این شأن نزول آیه را از همه کسانی که گزارش کرده‌اند، گردآوری کنیم، کتاب مستقلی خواهد شد، اما تنها مواردی که در حوصله این مقاله باشد گزینش می‌کنیم:

۱. محمودی در ترتیب الامالی، مبیث علی (ع) در فراش رسول خدا را با سند شیخ

طوسی از ابن عباس چنین گزارش می‌کند:

«بَاتَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ - لَيْلَةَ خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ إِلَى الْمُشْرِكِينَ - عَلِيٌّ فَرَّاشَهُ يُعْمِي عَلَى قَرِيْشٍ، وَ فِيهِ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ: * وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي... * (بقره: ۲۰۷). (محمودی، ۱۴۳۰، ج ۲، ص ۳۳۴، ح ۸۶۸)^۱

۲. ثعلبی می‌گوید:

«رسول خاتم وقتی خواست هجرت نماید، علی (ع) را جانشین خود قرار داد تا دیون او را ادا کند و اماناتی را که نزد او بود به صاحبانشان برگرداند و در رختخواب رسول خدا بخوابد و فرمود: "ای علی! برو ملحفه حضرمی مرا به خود بپیچ و بر جای من بخواب و به خواست خداوند هرگز هیچ گزندی از مهاجمان به تو نخواهد رسید". امیر مؤمنان علیه‌السلام همان‌گونه که دستور یافته بود، عمل کرد و خداوند عزوجل، به جبرئیل و میکائیل وحی کرد که به زمین فرود آید و علی علیه‌السلام را از شر دشمنانش محافظت نماید. آن‌ها فرود

۱. این حدیث را جمهور پژوهش‌گران فریقین در کتب خود گزارش کرده و آن را صحیح دانسته‌اند: کوفی، ۱۴۳۲، ج ۱، ص ۶۵-۶۶، ح ۳۱ و ۳۲ و ۳۳، با اسانید متعدد، طبرسی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۵۳۵، ابن حنبل، بی تا، ج ۱، ص ۳۳۱ و ابن حنبل، ۱۴۳۰، ص ۲۱۱، ح ۲۹۱، از طرق مختلف. قال: «و شَرِي عَلِيٌّ نَفْسَهُ، لَيْسَ ثَوْبُ النَّبِيِّ (ص) ثُمَّ نَامَ مَكَانَهُ (ص)» و طبرانی، ۱۴۱۵، ج ۱۲، ص ۴۴، ح ۱۲۵۹۳، نسائی در خصائص علی (ع)، ص ۷۲، ح ۲۳، بلاذری در أنساب، ج ۲، ص ۱۰۶، ح ۴۳، حاکم در مستدرک، ج ۳، ص ۱۳۳، حبری در تفسیر خود، ص ۲۴۲، ح ۹، گنجی در کفایة الطالب، ص ۲۴۲، از احمد در اربعین طوال و تاریخ دمشق، ج ۱، ص ۲۰۳، ح ۲۵۱-۲۴۹، ابن کثیر، در البداية و النهایة، ج ۷، ص ۳۵۱، ابن حجر در اصابة، ج ۲، ص ۵۰۹، هیشمی در مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۱۹، محب طبری در ریاض النضره، ج ۲، ص ۸۵۴، ابن بطریق در عمده، ص ۲۳۸، شیخ طوسی در امالی، مجلس نهم، حدیث ۴۳ و در مجلس ۱۶، ابن هشام در سیره نبویه، ج ۱، ص ۳۳۴، بیهقی در دلائل، ج ۲، ص ۴۶۹-۴۷۰، حدیث ۲، از امام سجاده (ع) در مورد نزول آیه «مَنْ يَشْرِي» در مبیث علی (ع) و سلیمان کوفی در مناقب علی (ع)، ج ۱، ص ۱۲۴، ح ۶۹، حسکانی در شواهد، ج ۱، ص ۹۸، ح ۱۳۶-۱۳۸ و ص ۱۳۰، ح ۱۴۰-۱۴۲، از امام سجاده (ع) قال: «مَنْ يَشْرِي... نَزَلَتْ فِي عَلِيٍّ (ع) لَمَّا تَوَجَّهَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِلَى الْعَارِزِ وَأَنَامَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ فِي ذَلِكَ يَقُولُ عَلِيٌّ (ع): وَقَيْتُ بِنَفْسِي خَيْرَ مَنْ وَطَأَ الْحِصَا» و حاکم در مستدرک، ج ۳، ص ۴، خوارزمی در مناقب، فصل ۱۲، ص ۷، ح ۱۴۱ و ص ۱۲۶، ح ۱۴۰، شیخ طوسی در تبيان، ج ۲، ص ۱۸۳، عیاشی در تفسیر، ج ۱، ص ۱۰۱، ح ۲۹۲ و فخر رازی در تفسیر، ج ۲، ص ۳۵۷-۳۵۸ به عنوان روایت سوم در شأن نزول آیه ۲۰۷ بقره و مباهات خداوند بر ملانکه مقرب را هم گزارش کرده است.

آمدند. جبرئیل بالای سر و میکائیل پایین پای وی قرار گرفتند و جبرئیل می گفت: "يَخَّ بَخًّا چه کسی چون تو می شود ای پسر ابی طالب؟ خداوند به ملائکه مقربش به تو افتخار می کند." آن گاه خداوند متعال آیه *وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي...* را در حق علی نازل کرد. (ثعلبی، ۱۴۳۶، ج ۵، ص ۳۱۳-۳۱۸، ح ۴۱۹)

این حدیث را غزالی در کتاب *احیاء العلوم* (ج ۳، ص ۲۷۳)، به عنوان اینار و فضل آن و ابن صباغ در *فصول* (ص ۴۸) گزارش کرده اند. (نک. قمی، ۱۴۳۵، ج ۱، ص ۷۱؛ امام حسن عسکری (ع)، ۱۴۰۹، ص ۴۶۹)

۳. دکتر ناصر محقق تفسیر ثعلبی با تحقیقی گسترده در مورد روایات شأن نزول آیه، بیانی دارد که خلاصه آن این است:

«مَبِيتُ عَلِيٍّ (ع) در فراش رسول خدا از نظر پژوهش گران فریقین بی گمان ثابت و قطعی است، اما جریان حدیث قدسی و آمدن جبرئیل و میکائیل و نزول آیه *...مَنْ يَشْرِي...* را در هیچ یک از کتب حدیثی، مغازی و صحاح سته نیافتیم. البته آن را برخی از پژوهش گران شیعه در کتاب های خود از منابع مهم فریقین گزارش کرده اند؛ مانند طبرسی در *مجمع البیان* (ج ۲، ص ۳۵-۳۶) و بحرانی در *برهان*».

وی با اشاره به کسانی که این حدیث را در مجامع حدیثی، تاریخی، تفسیری و مغازی و معاجم و طبقات و نوشته های خود آورده و شأن نزول آیه را در مورد علی (ع) می دانند، می نویسد:

«ثعلبی در تفسیر، ابن عقبه در *ملحمة*، ابوالسعادات در *فضائل العشرة* و غزالی در کتاب *الأخبار (الإحياء)*، گزارشی از ابوالیقظان و گروهی از دانشمندان شیعه مانند صدوق، ابن شاذان، کلینی، طوسی، ابن عقده، برقی، ابن فیاض، عبدکی، صفوانی و ثقفی، با سندهای خویش از ابن عباس، ابی رافع و هند بن ابی هاله، از رسول خدا گزارش کرده اند که فرمود: "أَوْحَى اللَّهُ إِلَى جِبْرِئِيلَ وَمِيكَائِيلَ إِنِّي أَخِيْتُ بَيْنَكُمَا... فَأَنْزَلَ اللَّهُ *وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي...*" (بحرانی، ۱۴۲۹، ج ۲، ص ۸۹-۹۲، ح ۱-۱۳؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۶۴؛ حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۹۶، ح ۱۳۳، مالکی، ۱۴۲۲، ص ۴۸؛ شیانی، بی تا، ج ۱، ص ۵۰؛ خوارزمی، بی تا، ص ۷۶)

وی در ادامه می نویسد:

«ابوسعید خردگوشی در تهذیب الآثار، ص ۲۸۸ نزول آیه «...مَنْ يَشْرِي...» را در مورد علی (ع) گزارش کرده است.»

وی پس از گزارش نظریه ابن تیمیه، در تکذیب فریقین در گزارش حدیث در کتاب منهاج السنه (ج ۷، ص ۱۱۲)، می‌گوید:

«در سند حدیث ثعلبی، نصیبی و حکم بن ظهیر هستند که هر دو از نگاه رجالی تضعیف شده‌اند. ولی عده‌ای از شخصیت‌های مهم عامه مانند نسائی در خصائص علی (ع) (ص ۲۴-۲۵)، احمد در مسند (ج ۱، ص ۳۳۱، ح ۳۰۶۱) و در فضائل الصحابه (ج ۲، ص ۸۴۹-۸۵۲، ح ۱۱۶۸)، ابن عاصم در السنه (ج ۲، ص ۵۸۸، ح ۱۳۵۱)، طبرانی در معجم الکبیر (ج ۱۲، ص ۹۷، ح ۱۲۵۹۳) و اوسط (ج ۳، ص ۱۶۵، ح ۲۸۱۵) و حاکم در مستدرک (ج ۳، ص ۱۴۳) آن‌ها را تعدیل کرده‌اند.»

۴. حاکم حدیث نزول آیه «...مَنْ يَشْرِي...» در مورد علی (ع) را تصحیح کرده، می‌نویسد که این حدیث از نظر شیخین هم صحیح است، گرچه آن‌ها آن را گزارش نکرده‌اند.

۵. ذهبی در تلخیص مستدرک آن را صحیح شمرده، می‌گوید که این حدیث را افراد یادشده، از طریق ابی عوانه، از ابی بلج، از عمرو بن میمون، از ابن عباس در فضایل علی (ع) ضمن یک حدیث طولانی گزارش کرده‌اند و مضمون آن، همان حدیثی است که ثعلبی گزارش کرده است.

۶. هیشمی هم در مجمع آن را تأیید قطعی کرده و به جز «ابی بلج» همه رجال آن را تعدیل نموده و او را هم جزو ثقات معرفی کرده است. سپس می‌گوید:

«حدیث را عبدالرزاق در مصنف (ج ۵، ص ۳۸۹، ح ۹۷۴۳) و احمد در مسند (ج ۱، ص ۳۴۸، ح ۳۲۵۱) و طبرانی در معجم کبیر (ج ۱۱، ص ۴۰۷، ح ۱۲۱۵۵)، همه از طریق "مُقْسَم" از ابن عباس، در تفسیر آیه ۳۰ انفال گزارش کرده‌اند که "بات علی (ع) علی فرایش النَّبِيِّ تِلْكَ اللَّيْلَةَ وَبَاتَ الْمُشْرِكُونَ يَحْرُسُونَ عَلَيَّا يَحْسَبُونَ أَنَّهُ النَّبِيُّ"».

طبرانی و احمد در مورد رجال سند حدیث، به گزارش هیشمی، عثمان بن عمرو و جزری - که در سند آن‌ها هستند - ابن کثیر در البدایه (ج ۳، ص ۱۸۱)، ابن حجر در فتح الباری (ج ۷، ص ۲۳۶) و ابن حبان در ثقات، توثیق کرده‌اند. (نک. هیشمی، ۱۴۱۴، ج ۷، ص

۲۷؛ ابن هشام، بی تا، ج ۲، ص ۴۸۲؛ طبری، بی تا، ج ۲، ص ۳۷۲؛ بیهقی، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۴۶۵؛ ثعلبی، ۱۴۳۶، ج ۵، ص ۳۱۳-۳۱۸)

علاوه بر این، اغلب منابع معتبر عامه که نزول آیه و هم حدیث قدسی را در منابع زیر آورده‌اند، با منابع ثعلبی مشترکند و علامه مرتضی آن‌ها را گزارش کرده است:

«اسد الغابه، ج ۴، ص ۲۵؛ المستجد، تنوخی، ص ۱۰؛ ثمرات الاوراق، ص ۳۰۳؛ تفسیر البرهان، ج ۱، ص ۲۰۷؛ احیاء العلوم غزالی، ج ۳، ص ۲۵۸؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۹؛ الفصول المهمه، ص ۳۱؛ تذکره الخواص، ص ۳۵؛ از تفسیر ثعلبی و تاریخ الخمیس، ج ۱، ص ۳۲۵-۳۲۶؛ کثر الفوائد از فضائل احمد، ص ۱۲۴ و ۱۲۵؛ روضه الواعظین، ص ۱۰۷-۱۱۹؛ حیب السیر، ج ۲، ص ۱۱ (إِنَّ ذَلِكَ مذكورٌ فِي كَثِيرٍ مِنَ الْكُتُبِ التَّارِيخِيَّةِ وَالسِّيَرِ)؛ تفسیر فخر رازی، ج ۲، ص ۳۵۰ و ۳۵۱؛ تفسیر قرطبی، ج ۳، ص ۲۱؛ الیسیره الحلبیه، ج ۳، ص ۱۶۸؛ سیره دحلان، ج ۱، ص ۱۵۹؛ کشف الغمه، ج ۱، ص ۱۷۸ و ۳۱۰؛ ارشاد مفید، ص ۱؛ خصائص الوحي المبین، ص ۹۱ و ۹۳-۹۴؛ عمده ابن بطریق، ص ۲۳۸-۲۴۰؛ غرائب القرآن نیشابوری، در حاشیه تفسیر طبری، ج ۲، ص ۲۹۱؛ غایه المرام بحرانی، ص ۳۴۶، باب ۴۵؛ تفسیر ابوالفتح، ج ۲، ص ۱۵۲؛ ملحقات احقاق الحق، ج ۳، ص ۲۴-۳۸؛ لوامع ابی نعیم اصفهانی، ج ۲، ص ۳۷۱-۳۷۷؛ بحرال محیط ابی حیان، ج ۲، ص ۱۱۷؛ روح المعانی، ج ۲، ص ۷۳؛ مرآة المؤمنین، ص ۴۵؛ تلخیص المشابه خطیب بغدادی، ج ۱، ص ۴۱۴؛ مُنتقى كازرونی، ص ۷۹؛ روض الازهر، ص ۳۷۱؛ ارجح المطالب، ص ۷۰، ۴۰۷ و ۵۰۷؛ إتحاف السادة المتقين، ج ۸، ص ۲۰۲؛ روض الأجاب هرّوی، ص ۱۸۵؛ سیره محمدیه كازرونی (مخطوط)؛ توضیح الدلائل، ص ۱۵۴ (مخطوط)؛ غایه المرام فی رجال البخاری، ص ۷۱ (مخطوط)؛ المختار فی مناقب الأخیار، ص ۴ (مخطوط)».

این تعداد از علمای عامه، این دو حدیث یعنی نزول آیه ۲۰۷ بقره در مورد علی (ع) و ارسال جبرئیل و میکائیل برای پاسداری از ایشان در لیلۃ المیت را گزارش کرده‌اند. البته هر چه به طرف صدر اول برمی گردیم، تعصبات مذهبی، نژادی و... کم رنگ است و حقایق مربوط به اهل بیت در آثار عامه بیش تر مطرح شده؛ بنابراین نزول آیه ۲۰۷ بقره درباره علی (ع)، در آثار عامه در حد استفاضه بلکه بالاتر از آن گزارش شده است.

ما ضمن بررسی نظریات عامه، دیدگاه‌های بسیاری از امامیه را نیز متعرض شدیم؛ اما برای تأکید و تقویت بیش‌تر و نقد دیدگاه‌های عامه، شأن نزول آیه را در تفاسیر روایی امامیه نیز دنبال می‌کنیم:

۱. مرحوم معرفت، به نقل از ثعلبی (۱۴۳۶، ج ۲، ص ۱۰۳)، بغوی (۱۴۲۰، ج ۱، ص ۲۶۶) و منابع فراوان دیگر از ابن عباس، نزول آیه ۲۰۷ بقره در مورد علی (ع) و نیز نزول جبرئیل و میکائیل را برای حراست از او گزارش کرده و نیز از مجلسی (۱۴۰۳، ج ۲۲، ص ۳۳۸)؛ حویزی (۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۰۵)؛ طبرسی (۱۴۲۹، ج ۲، ص ۵۷)؛ بحرانی (۱۴۱۶، ج ۱، ص ۴۵۱)؛ عیاشی (۱۴۳۱، ج ۱، ص ۱۲۰ و ۲۹۳)؛ طوسی (۱۴۳۱، ج ۲، ص ۱۸۲)، فیض (۱۳۹۹، ج ۱، ص ۳۷۱)؛ قمی (۱۴۳۵، ج ۱، ص ۷۱)، خوارزمی (بی‌تا، ۱۲۶-۱۴۰)؛ شیانی (بی‌تا، ج ۱، ص ۲۷۸-۲۷۹)؛ الحسکانی (۱۴۱۱، ج ۱، ص ۲۲۷)؛ ابن عساکر (۱۴۱۵، ج ۴۲، ص ۱۳۵)؛ رازی (۱۴۲۰، ج ۳، ص ۱۶۰-۱۶۱)؛ نیشابوری (۱۴۲۳، ۱۰۶-۱۰۷)؛ ابن شهر آشوب (۱۳۷۶، ج ۱، ص ۳۳۹-۳۴۰)؛ ابن اثیر (۱۴۱۵، ج ۴، ص ۲۵) و ... نقل کرده، در پایان می‌گوید:

«اگرچه ظاهر آیه عام است و می‌تواند همه موارد و مصادیقی که در کتب عامه نقل شده مانند صهیب، ابوذر، زبیر، شهدای رجیع و علی (ع) را شامل شود، این‌که درباره این موارد به‌خصوص نازل شده باشد، اولاً با ظاهر آیه سازگاری ندارد. ثانیاً تفسیر پژوهان صاحب‌نظری مانند ابوالفتوح رازی، شیخ طوسی و حتی ثعلبی، هرکدام شأن نزول آیه را تنها در مورد علی (ع) می‌دانند. چون تنها این مورد است که با پدیده‌ی «لیلۃ المبيت» تناسب دارد که علی (ع) جان خود را در طبق اخلاص نهاد و با پروردگار عالم معامله کرد تا آخر هم بدان افتخار می‌کرد، اما موارد دیگری که برخی از عامه شمرده‌اند، هرگز در مورد فروش جان نبوده بلکه خریدن جان به پول، آن‌هم تنها در مورد صهیب است». (معرفت، ۱۴۲۹، ج ۵، ص ۲۵۰-۲۶۷)

۲. فرات کوفی از مفسران قرن سوم در تفسیر خود سه حدیث با سه سند معتبر از ابن عباس در شأن نزول آیه در مورد علی (ع) گزارش کرده است. (فرات کوهی، ۱۴۳۲، ج ۱، ص ۶۵، ح ۳۱-۳۳)

۳. عیاشی در تفسیر خود (۱۴۳۱، ج ۱، ص ۱۲۰) دو حدیث آورده: یکی از جابر جعفی از امام باقر (ع): «آیه ... مَنْ يَشْرِي... * فَأَنهَا نَزَلَتْ فِي عَلِي (ع) حِينَ بَدَلَ نَفْسَهُ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ...» و دومی از ابن عباس که می گوید: «شَرَى عَلِي (ع) بِنَفْسِهِ: لَيْسَ قُوبَ النَّبِيِّ ثُمَّ نَامَ مَكَانَهُ...». (قمی، ۱۴۳۵، ج ۱، ص ۱۰۹)

۴. حویزی و بحرانی سیزده حدیث و سید علی عاشور، هفده حدیث از فریقین گزارش کرده‌اند که آیه ۲۰۷ بقره درباره علی (ع) نازل شده است. (حویزی ۱۴۳۵، ج ۱، ص ۱۵۹؛ بحرانی، ۱۴۲۹، ج ۲، ص ۸۹-۹۱؛ ابن عاشور، همان)

بنابراین روایات شأن نزول آیه از سوی فریقین، متواتر است و هیچ‌یک از مواردی که در کتب عامه، به‌عنوان شأن نزول این آیه در مورد دیگران مطرح شده، ارزش و قابلیت طرح و تطبیق با این آیه را ندارد؛ علاوه بر این که در هیچ روایتی واژه «شَری» (فروختن جان برای کسب رضایت خدا) و در عصر امام علی (ع) هم هیچ‌کس برخلاف آن نظری نداشته است. این به‌خوبی نشان می‌دهد که شأن نزول‌های بدلی در عصر تدوین (اواخر قرن دوم و قرن سوم و نیمه اول قرن چهارم)، با دسیسه تشکیلات سیاسی جعل شده‌اند. در تأیید این موضوع، شیخ طوسی در *امالی* از مجاهد بن جبر گزارش کرده که عایشه روزی بر پدرش که در غار همراه رسول خدا بوده، فخر می‌کرد. عبدالله بن شداد به وی گفت: «این افتخار در برابر افتخار علی (ع) چیزی نیست؛ چون او در آن شب در رختخواب رسول خدا خوابید در حالی که می‌دانست که کشته خواهد شد، اما پدرت در غار یقین داشت که سالم به مدینه می‌رسد، درعین حال بی‌تابی می‌کرد!» و او پاسخی نداد (محمودی، ۱۴۳۰، ج ۲، ص ۳۴۰، ح ۸۷۳۷).^۱ اگر نزول

۱. جریان مشاوره قریش در دارالندوه و مشارکت ابلیس - لعنه الله - با آنان در قیافه پیرمردی از نجد و حدیث لیلۃ المبیث (الهجره) و فدا کردن علی (ع) جان خویش را برای رسول خدا (ص) هر سه از احادیث معتبر قطعی است و کسی نباید در آن تردید نماید. (نک. سیره ابن اسحاق، ج ۱، ص ۲۹۰-۲۹۱؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۳۷۲؛ سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۳۳۳-۳۳۵؛ معجم کبیر طبرانی، ج ۲۴، ص ۴۳۲-۴۳۴، ح ۱۰۵۹؛ دلائل ابونعیم، ج ۲، ص ۴۵۹؛ اعلام الوری، ج ۱، ص ۱۴۳؛ ریاض النضره، ج ۲، ص ۱۵۴-۱۵۶). این موضوع به صورت مرسل هم در آثار بسیاری از تابعین مانند عروة بن زبیر، کعب بن قریظ و ابن شهاب زهری گزارش شده است. (نک. سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۴۸۲؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۳۷۲؛ دلائل بیهقی، ج ۲، ص ۶۵؛ مجمع الزوائد، ج ۶، ص ۵۱؛ تفسیر ثعلبی، ج ۵، ص ۳۱۳-۳۱۸). علامه طباطبایی در ردّ روایاتی که برخی از پژوهشگران عامه مانند سیوطی در الدرالمختور، بی تا، ج ۱، ص ۵۳۷؛ زحیلی، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۵۹۴-۵۹۶؛ حموی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۴۷۷-۴۷۸؛ رشیدرضا، ۱۹۹۰، ج ۲، ص ۲۱۳-۲۱۷؛ شفقیطی، ۱۴۳۱، ج ۱، ص ۱۰۳-۱۰۴؛ طیبی، ۱۴۳۴، ج ۳، ص ۲۳۰ و واحدی، بی تا، ص ۶۸ و ابن جوزی، ۲۰۰۲، ج ۱، ص ۱۷۲، جلالین، ۱۲۷۸، ج ۱، ص ۳۵؛ بغدادی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۳۷؛

آیه در مورد علی (ع) ذره‌ای جای شبهه داشت، عایشه حتماً آن را مطرح می‌کرد، اما وی از سؤال عبدالله، شرم‌نده شد و پاسخی نداشت. البته در مورد جعل حدیث توسط برخی از صحابه و تابعین، حتی تابعین تابعین آن‌قدر گفته‌اند و نوشته‌اند که ما را از توضیح بیشتر بی‌نیاز می‌کند؛ ولی جعل حدیث در مسأله امامت به‌منظور کاستن از شخصیت علی (ع) و فرزندان وی و حتی رسول خدا (ص) توسط صحابه و تابعین با پول و سفارش بنی‌امیه، بنی مروان، زبیریان و بنی‌عباس از همان دوران سقیفه شروع شد^۱ و در دو جهت پیش رفت: یکی نکوهش و عیب تراشی برای دودمان وحی و دیگری برای رقیب تراشی و مناقب سازی برای دشمنان قرآن و عترت؛ یعنی سردمداران اموی، عباسی، زبیری و صحابه. این جاعلان عبارت بودند از: ابوهریره، مغیره بن شعبه، عمروعاص، عروه بن زبیر، عبدالله بن عمروعاص، بسر بن اوطات و... و از یهودیان تازه‌مسلمان، چون: کعب‌الاحبار، وهب بن منبه و ابن جریج.^۲

و مقاتل، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۱۰۸ گزارش کرده‌اند، مبنی بر این که آیه فوق در مورد صهیب رومی، یا شهدای رجیع یا زبیر و همراهانش در آوردن جنازه، خیب و... نازل شده می‌فرماید: «علاوه بر جعلی بودن آن روایات و در برابر اخبار متواتر شأن نزول آیه قرار گرفتن چنان که مشاهده شد، یک خطای تاریخی هم هست؛ چون سریه رجیع در سال ششم هجری واقع شده و هجرت صهیب رومی هم دقیقاً هم زمان با هجرت رسول خدا (ص) بوده و از نظر محتوایی نیز بر خلاف آیه بوده و نوعی تحریف معنوی قرآن و دقیقاً تفسیر به رأی است. به ویژه این که قبلاً گفتیم که «یشری» از نظر لغت و اعتراف قرآن پژوهان، به معنای فروختن جان و گرفتن مرصعات خداوندی در آیه است و خریدن جان در برابر دارایی خود بر خلاف آن و در برابر یشری (فروختن) است و معنای یشری با ذیل آیه «و الله رؤفٌ بالعباد» هم تناسب واقعی دارد و آن هرگز با مفهوم «اشتری» تناسبی ندارد؛ بنابراین اثبات می‌شود که بر پایه روایات متواتر شأن نزول از نگاه فریقین، آیه در مورد علی (ع) نازل شده که وی با فداکردن هستی خود در راه خداوند متعال، رسول خدا (ص) را از قتل حتمی نجات داد و روایاتی که به نقل از علی (ع) آیه را در مورد آمران بالمعروف و ناهیان عن المنکر می‌داند، بیان جنبه عمومیت آیه را منظور داشته و منافاتی ندارد که آیه با این همه اهمیت در مورد ایثار امیر مؤمنان (ع) در «لیلة المبيت» به خصوص نازل شده باشد و در یک معنای وسیع جریان‌های دیگر را هم از باب جری، تطبیق شامل شود». (علامه طباطبایی، ج ۲، ص ۸۳-۸۴)

۱. حدیث «نَحْنُ الْأَنْبِيَاءُ لَأَنْوَرُ» نمونه بارز آن است.

۲. معتزلی، بی تا، ج ۲، ص ۷۳، مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۳، ص ۲۱۵، حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۱۳ و امینی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۴۷-۴۸ و ج ۱، ص ۱۶۶ و ج ۲، ص ۱۵۶-۱۶۲، از ۶۲ طریق و طبری ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۲۹، طبرسی، بی تا، ج ۱، ص ۱۹۶، مکارم شیرازی، ۱۴۲۱، ج ۴، ص ۱۴۳۱، ذهبی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۱۷۸، صدوق، بی تا، ج ۲، ص ۳۲۷ و ۷۰۱ و ابن‌المغازلی، بی تا، ص ۱۴ و ۱۳۶ ح ۱۵۵، باقر قرشی: ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۳۱۰ مشهور است که معاویه یک صد هزار درهم به سمره بن جندب داد تا نزول آیه «یشری» را در مورد ابن‌ملجم روایت کند و آیه ۲۰۴ بقره را در مورد حضرت علی علیه السلام؛ با آن که آیه ۲۰۴ بقره به اتفاق اهالی قبله، در مورد منافقان نازل شده است. جعل حدیث با تشویق امویان، عباسیان و زبیریان توسط برخی صحابه

نکته دیگر این که «یشری» در این جا، به معنای «بیع» آمده نه «یشتری» (سید قطب، بی تا، ج ۱، ص ۲۰۶؛ بروسویی، بی تا، ج ۱، ص ۳۲۴). با توجه به روایات متواتر المعنی درباره نزول آیه در مورد علی (ع)، دیگر برای روایات دیگری که از نظر سند و محتوا مخدوش‌شده، ارزشی قائل نمی‌شوند؛ بنابراین علاوه بر دلایل عقلی و مخالفت صریح خود آیه با روایات دیگر، نزول آیه در «لیلة المیت» در شأن علی (ع) قطعی است، اما عده‌ای، شبهاتی را در معنا و مصداق آیه ایجاد کرده‌اند که با پاسخ آن‌ها، بحث در آیه ۲۰۷ بقره پایان می‌یابد.

شبهه‌های موجود و پاسخ به آن‌ها

شبهه اول: علی (ع) چون می‌دانست در این مبیع هرگز به او آسیبی نمی‌رسد، دیگر خوابیدن او در بستر پیامبر چندان ارزشی ندارد.

پاسخ: اولاً ارزش کار از نظر اسلام، به درجه اخلاص و صدق نیت و انجام دادن آن به منظور کسب رضای خداوند است؛ چنان که فرمود: * وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ * (عنکبوت: ۶۹) و حدیث «ضَرَبْتُ عَلِيَّ يَوْمَ الْخَنْدَقِ أَفْضَلَ مِنْ عِبَادَةِ الثَّقَلَيْنِ» که معیار ارزش و درجات بالای اعمال بر اساس آیات و روایات به ضریب اخلاص در آن است و این اطلاق دارد. فرقی نمی‌کند که عامل از پشت پرده غیب باخبر باشد یا بی اطلاع؛ بنابراین شبهه افکنی برخی از پژوهشگران عامه^۱ از نظر قرآن، سنت، عقل، منطق و تاریخ، حتی ارزش طرح هم ندارد. چون قرآن کریم این مبیع را به فدا کردن همه هستی خویش در راه کسب مرضات الله تعبیر کرده و روایات متواتر قطعی، شأن نزول آیه را در عینیت جامعه درباره علی (ع) در لیلة المیت اعلام کرده^۲ و حدیث قدسی هم بر صحت این جریان تأکید دارد.^۳ جاحظ و ابن تیمیه ناخواسته، فضیلت ویژه‌ای برای علی (ع) اثبات کرده‌اند، چون اقرار دارند که

و تابعین به یک حرفه تبدیل شد. کتاب‌های نقد الحدیث و الالهی المصنوعه و الموضوعات و امثال آن این جریان را دقیقاً نشان می‌دهد.

۱. این شبهه را نخست جاحظ در قرن سوم و سپس ابن تیمیه در قرن هفتم مطرح ساختند و دیگران به پیروی از آن دو دنبال کردند. (جعفر سبحانی، ۱۳۸۴، ص ۶۹)

۲. نک. بحث شأن نزول آیه «مَنْ يَشْرِي» در همین مقاله تفسیر فخر رازی، الکامل فی التاریخ، تاریخ الخمیس، دحلان، مسند احمد، تفسیر و تاریخ طبری، طبقات ابن سعد و سیره ابن هشام که همه تصریح به نزول آیه در «لیلة المیت»، در حق علی (ع) کرده‌اند. (عاملی، ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۳۵-۳۶)

۳. حدیث قدسی، مربوط به صیغه اخوت میان رسول خدا (ص) و علی (ع) و میان جبرئیل و میکائیل -علیهما السلام- و نزول آن دو از سوی پروردگار عالم به منظور حراست از علی (ع) به خاطر اثار ایشان است که عده زیادی از محدثان عامه آن را گزارش و تصدیق کرده‌اند. (نک. مطالب پیشین در این مقاله)

ایشان به فرمان خدا و رسول در بستر پیامبر خوابیده و این از دو حالت خارج نیست: یا ایمان او به صداقت و نبوت در حد متعارف بوده، یا فوق‌العاده به صدق گفتار رسول خدا ایمان داشته است. در صورت نخست نمی‌توان گفت که علی (ع) به سلامت ماندن خود قطع داشته است، چون ایمان متعارف، غیر راسخ هرگز از گفتار رسول خدا به یقین نمی‌رسد و اگر هم در بستر وی بخوابد دچار نگرانی و دلهره می‌شود، چنان‌که یار غار و فراریان جنگ‌های احد، حنین، خیبر و... چنین بودند؛ اما علی (ع) از نظر ایمان به درجه‌ای رسیده بود که در تصدیق و ایمان به صدق گفتار پیامبر (ص) هیچ تردیدی نداشت. وقتی رسول خدا امر کردند در بستر وی بخوابد و هیچ آسیبی به وی نمی‌رسد، با کمال آرامش و اطمینان خاطر در بستر خوابید. این بزرگ‌ترین فضیلت ایشان و نشانه ایمان راسخ و اعتماد قطعی آن حضرت به صداقت رسول خداست (سبحانی، ۱۳۷۶، ص ۵۲). علاوه بر این، به گزارش کتاب *امتاع الاسماء اصلاً* رسول خدا به علی (ع) نفرمود: «لن یصل الیک شیء تکرهه». (حلبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۷)

ثانیاً اگر شبهه جاحظ و ابن تیمیه درست بود، می‌بایست هیچ‌گونه آسیبی از سوی مهاجمان به علی (ع) وارد نمی‌شد در صورتی که به اجماع مورخان، علی (ع) پیش از آن که او را بشناسند، به شدت هدف سنگ‌های مهاجمان قرار گرفت. (ابن ابی الحدید، بی‌تا، ج ۱۳، ص ۲۶۳)

ثالثاً اگر حرف مخالفان درست بود و این کار افتخار نبود، پس چرا عایشه به سؤال اعتراضی عبدالله بن شداد پاسخی نداد؟ اگر غیر از این بود، حتماً پاسخ می‌داد. (طوسی، ۱۴۱۴، ص ۴۴۸)

رابعاً تاریخ‌نگاران همگی بر این باورند که علی (ع) خود را آماده شهادت کرده بود؛ چنان‌که خود ایشان بر این مسئله تأکید داشت و می‌فرمود: «هنگامی که مهاجمان قریش با من روبه‌رو شدند، یقین داشتند که رسول خدا را می‌کشند. وقتی وارد خانه شدند، دیدند که من در جای رسول خدا خوابیده‌ام و به پا خواستم و با شمشیر از خود دفاع کردم» - سپس رو به حاضران کرد و پرسید: «آیا این چنین نبود؟» همه حاضران بدون هیچ شبهه‌ای گفتند: «بلی یا امیرالمؤمنین چنین بود که گفتید». (عاملی، ۱۴۲۸، ج ۴، ص ۱۸۱-۲۲۲)

شبهه دوم: ابن تیمیه می‌گوید که سوره بقره مدنی است و نمی‌تواند در مورد علی (ع) نازل شده باشد، چرا که جریان «لیلة المیت» در مکه واقع شده و آیه «...مَنْ یشری...» در مدینه نازل گردیده، بنابراین آیه در مورد صهیب است!

پاسخ آن است که گرچه جریان «لیلة المیت» هنگام خروج رسول خدا از مکه اتفاق

افتاده، آیه شریفه به فاصله چند روز در مدینه و درباره این واقعه نازل شده است و رسول خدا پس از استقرار در مدینه، وقتی علی (ع) را دیدند، با خواندن آیه، نزول آن را درباره ایشان بشارت دادند. به علاوه این ایراد در مورد صهیب و دیگران هم وارد است؛ چون به نظر برخی، صهیب بلافاصله پس از هجرت رسول خدا هجرت کرده است (بلاغی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۱۸۴؛ عاملی، همان، ج ۴، ص ۲۱۷). بدیهی است که نزول آیه در مکه، سوره بقره را از مدنی بودن خارج نمی کند؛ چون هجرت رسول خدا ملاک است که واقع شده بود (حلبی، ۱۳۴۹، ج ۱، ص ۴۲۰) و ممکن است که هنگام نزول آیه، رسول خدا در راه هجرت و یا در غار ثور بوده، لذا فرصت بیان نزول آیه را به دیگران نداشته و وقتی در مدینه مستقر شدند، اعلام همگانی کرده باشند. (همان)

شبهه سوم: جاحظ و ابن تیمیه، با تکذیب حدیث قدسی و جریان فرستادن جبرئیل و میکائیل از سوی پروردگار عالم برای محافظت از وجود مبارک علی (ع) به خاطر این فداکاری، نزول آیه را در مورد صهیب می دانند؛ با آن که ده ها منبع معتبر اهل سنت - چنان که در بحث شأن نزول دیدیم - بر نزول آن در مورد علی (ع) تأکید کرده اند و غیر از ابن تیمیه، کسی این حدیث را تکذیب نکرده است. (عاملی، همان، ج ۴، ص ۲۱۴-۲۲۱)

پاسخ این شبهه نیز به دلایل ذیل روشن است:

۱. هیچ مورخ و محدثی این حدیث را تکذیب نکرده، بلکه بیش تر تاریخ نگاران آن را درست دانسته و گزارش کرده اند؛ مانند ذهبی و حلبی. منابعی که درستی روایت قدسی را تأیید و گزارش کرده اند قبلاً مطرح شد.

۲. گفته اند، هنگامی که رسول خدا تصمیم گرفت از مکه خارج شود، ابوبکر را سه بار به دنبال صهیب فرستاد و در هر سه بار برمی گشت، چون صهیب مشغول نماز بود. او طبق عادت همیشگی وارد منزل ابوبکر شد و سراغ پیامبر را گرفت. ابوبکر به او اطلاع داد که ایشان قصد هجرت به مدینه را دارد؛ اما صهیب وقتی قصد هجرت کرد، مشرکان مکه مانع شدند. او همه مالش را در ازای جان خویش به مشرکان داد و در قبا به رسول خدا ملحق شد و آن حضرت فرمود: "ریح صهیب..." و آیه «...من یشری...» نازل شد (یوسفی غروی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۷۲۲) اما اشکالات عدیده ای بر این ادعا وارد است:

نخست: این که رسول خدا در مدت کوتاهی سه مرتبه ابوبکر را به دنبال صهیب بفرستد، معقول نیست؛ چون می‌گویند که قریش برای دستگیری ابوبکر یک‌صد شتر تعیین کرده بود؛ باین حال آیا صلاح بود رسول خدا جان وی را به خطر بیندازد، آن‌هم به خاطر صهیب که هیچ فایده عقلایی برای آن نمی‌شناسیم؟ البته این ادعایی بیش نیست، چون سند معتبری ندارد.

دوم: رسول خدا کسی را از هجرت خود باخبر نکردند، جز علی (ع). ابوبکر را هم تصادفی در راه غار ثور دیدند و او را بدون قرار قبلی به همراه خود بردند. (حلبی، ۱۳۴۹، ج ۱، ص ۴۲۰)

سوم: ابوبکر می‌توانست او را در حال نماز پیام‌رسانی کند و موجب قطع نماز هم نمی‌شد و یا چند لحظه‌ای صبر کند تا نماز صهیب تمام شود. (همان)

چهارم: چرا رسول خدا توجه ویژه به صهیب داشتند ولی به دنبال دیگران حتی یک‌بار هم نفرستادند؟ مگر آن که بگوییم بقیه مسلمانان تحت شکنجه از میان مشرکان حامی داشتند به جز صهیب، اما شاهی بر این مسأله نداریم. (همان)

پنجم: قضیه «ریح صهیب» برای ماجرای دیگری بوده و ربطی به هجرت ندارد. (همان)

۳. آیه «...مَنْ يَشْرِي...»، کسی را می‌ستاید که جان خود را در راه خدا و کسب رضایت او فدا کرده است، با آن که صهیب - بر فرض درستی ادعای ابن تیمیه و جاحظ - پول داده و جان خویش را از قریش خریده، نص آیه در مورد کسی است که جان خود را فروخته و رضایت خدا را به دست آورده است! تازه این مال باختن اختصاصی به صهیب نداشت، بلکه همه مهاجران، اموال خود را می‌گذاشتند و جان خود را برمی‌داشتند و هجرت می‌کردند. هم چنین "شری، يَشْرِي" در قرآن، صرفاً به معنای فروختن به کاررفته است، نه به معنای خریدن؛ بلکه هر جا سخن از خریدن باشد، با واژه «اشتری» تعبیر شده است؛ مانند آیه *إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنْ الْمُؤْمِنِينَ...* (تفتازانی، ۱۴۲۵، ص ۷۴)؛ بنابراین آیه مورد نظر، تنها با معامله علی (ع) تطبیق دارد و نه دیگران (علامه طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۹۸)؛ بنابراین سخن توجیهی حلبی مبنی بر این که احتمال دارد آیه دو بار نازل شده باشد: یک‌بار در مورد علی (ع) و یک‌بار در مورد صهیب و دیگران (حلبی، همان، ج ۲، ص ۲۷)، حرف بی‌اساس و غیرعلمی است (عاملی،

همان، ج ۴، ص ۲۲۰-۲۲۲؛ به ویژه حدیثی که برخی از عامه درباره نزول آیه در مورد صهیب گزارش کرده‌اند^۱ که علاوه بر مخدوش بودن از نظر سند، عقل و عرف، متن آن هم مشوش است و هرگز قابل استدلال نیست (عاملی، همان). برخی گفته‌اند: آن کس که به صهیب گفت: «رَبِّحَ الْبَيْعُ يَا صَهَيْبُ»، ابوبکر بوده نه رسول خدا و برخی هم با طرح داستان صهیب، نزول آیه را در مورد صهیب گزارش نکرده‌اند (نصر بن مزاحم، بی تا، ص ۳۲۵؛ طبرسی، همان، ج ۶، ص ۳۶۱؛ مجلسی، همان، ج ۱۹، ص ۳۵)

۴. دلیل دیگر بر کذب ادعای ابن تیمیه این است که صهیب هنگام هجرت پیرمرد نبوده، چون وی در سال ۳۹ هجری در هفتاد یا هشتادسالگی مرد؛ بنابراین هنگام هجرت، ۳۱ و یا ۴۱ سال بیش تر نداشته است؛ بنابراین احادیث مربوط به نزول آیه در مورد صهیب و یا دیگران، همه جعلی است و دست خیانت آن‌ها را ساخته تا برای عناد و ضدیت با علی (ع) به کار گرفته شود.

۵. بیش تر پژوهش گران عامه، شأن نزول آیه را به همراه اکثریت امامیه، «لَيْلَةُ الْمَيْتِ» و در مورد علی (ع) گزارش کرده‌اند و این حدیث در حدّ تواتر معنوی است و در برابر آن روایات آحاد هرگز توان مقابله ندارد.

۶. ضعف دیگر این حدیث آن است یا از خود صهیب گزارش شده یا از طبقه تابعین که هرگز هجرت را در ک نکرده‌اند؛ مانند عکرمه، ابن المسیب و ابن جریر. تنها یک روایت در این جا وجود دارد که از ابن عباس نقل شده و او هم هنگام هجرت سه سال بیش تر نداشته است!

۷. مسأله مهم تر این که صهیب از دار و دسته سقیفه و از کسانی بوده که در سال ۳۵ هجری، از بیعت با علی (ع) سر باز زدند و راه خود را از اهلیت جدا کردند و با آنان دشمنی ورزیدند. (شوشتری، بی تا، ج ۵، ص ۱۳۵-۱۳۷) و شاید همین داشتن هوای اهالی سقیفه، باعث شده که دشمنان امیر مؤمنان بزرگ ترین فضیلت وی را به صهیب ببخشند تا یک تیر دو نشان باشد: حضرت علی (ع) ضرر کنند و دشمنانش، سود. (عاملی، همان، ج ۴، ص ۲۲۵-۲۲۶)

۱. بنگرید در تفسیر آیه ۲۰۲ بقره، در الاصابه ج ۲ و در ترجمه صهیب در السیرة الحلییه، ج ۲، ص ۲۳-۲۶؛ الدر المشور، ج ۱، ص ۲۰۴؛ طبقات ابن سعد و ابن المنذر و ابن ابی حاتم و ابی نعیم فی الحلیه و ابن عساکر و ابن جریر الطبری و الطبرانی و الحاکم و البیهقی فی الدلائل و ابن ابی خثیمه اختلاف شدید متن حدیث را.

نتیجه

آیه ۲۰۷ سوره بقره از نگاه روایات فریقین، در فقره «... مِنْ یَشْرَى...» نقد و بررسی دقیق شد. نتایج به دست آمده عبارتند از:

۱. خوابیدن علی (ع) در بستر رسول خدا (ص)، به امر خدا و پیامبر، جزو مسلمات بوده و روایات درباره آن دست کم از تواتر معنوی برخوردار است و آثار فریقین بر آن گواهی می‌دهد.

۲. حدیث قدسی، عقد برادری میان میکائیل و جبرئیل توسط خداوند در «لیلة المبیّت» و فرستادن آن‌ها برای حراست از علی (ع)، از نظر کتب حدیثی، تاریخی و سیر، مشهور بلکه به حدّ تواتر معنوی است.

۳. نزول آیه در مورد علی (ع)، در گزارش‌های فریقین تواتر معنوی دارد و با هیچ خدشه و شبهه‌ای، آسیب نمی‌پذیرد و بیش‌تر پژوهش‌گران حدیثی امامیه و بسیاری از پژوهش‌گران عامه، آن را با اسناد بسیار محکمی در آثار خود گزارش کرده‌اند و نص آیه کریمه هم تنها با همین شأن نزول سازگاری کامل دارد.

۴. روایاتی که برخی از مفسران عامه در مورد صهیب و دیگران در میان خود دست‌به‌دست می‌کنند، سند صحیح ندارد و از نظر متن، واقعاً پریشان و فاقد استانداردهای حدیث صحیح و قابل استناد است؛ علاوه بر این که با شواهد عینی تاریخی هم‌خوانی نداشته، برخلاف قرآن است و در برابر روایات متواتر شأن نزول آیه در مورد علی (ع) در لیلة المبیّت توان مقابله ندارد؛ چون ناقلان آن‌ها هیچ‌کدام در عصر نزول آیه نبوده‌اند، بلکه از تابعین یا حتی از مسلمان نمایان از اهل کتاب و یا از نسل دوم صحابه بوده‌اند مانند ابن عباس که در آغاز هجرت تنها سه سال داشته است. علاوه بر آن، کسانی که نزول آیه را در مورد دیگران روایت می‌کنند، افرادی منحرف از ولایت دودمان وحی بوده و هوای دولت‌های منحرف از اهل بیت را داشته‌اند.

۵. مناشدات خود امیر مؤمنان در موطن گوناگون و گرفتن اقرار از حاضران بر نزول آیه در مورد ایشان که در آثار فریقین است، همه تردیدها را برطرف می‌کند.

۶. شبهه‌های امثال جاحظ و ابن تیمیه، از نظر استدلال فاقد هرگونه ارزش بوده، حتی برخی از بزرگان عامه نقد جدی به آن وارد ساخته‌اند؛ علاوه بر این که هیچ دلیل قاطعی جز برای اثبات آن ندارند.

۷. با دلایل متقن و قطعی در احادیث فریقین، نزول آیه در مورد فداکاری آن حضرت ثابت بوده و تواتر معنوی احادیث شأن نزول آیه، هیچ مجالی بر شبهه افکنی نمی‌دهد؛ بنابراین تطبیق آیه بر غیر علی (ع)، تفسیر به رأی و نوعی تحریف معنوی قرآن است؛ به‌ویژه این که جااعلان این احادیث نسبت به آیه، شناسایی و به امت اسلامی معرفی شده‌اند و حوادثی که آیه را بر آن تطبیق داده و به‌طور تقلیدی و بدون مطالعه حتی در تفاسیر معاصر «عامه اغلب» مشاهده می‌شود، شگفت‌آور است؛ زیرا بسیاری از آن حوادث، در سال ششم هجری اتفاق افتاده و آیه به اتفاق فریقین درباره «لیلة المبيت» در آغاز هجرت نبوی نازل شده است.

منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

الف) منابع عربی عامه

١. آلوسی، محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالکتب، ١٤١٥ ق.
٢. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، بی‌جا، بی‌تا.
٣. ابن الاثیر الشافعی، ابوالحسن علی بن محمد، اسد الغابه، بیروت: دارالکتب العلمیه، ١٤١٥ ق.
٤. ابن العربی، احکام القرآن، بی‌جا، بی‌تا.
٥. ابن جوزی، زاد المسیر فی علم التفسیر، بیروت: دارالکتب، ٢٠٠٢.
٦. ابن حنبل، احمد، مسند، بیروت: دارصادر، بی‌تا.
٧. ابن عاشور، التحریر و التنویر، بیروت: مؤسسة التاریخ العربی، ١٤٢٠.
٨. ابن عجبیه، البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید، قاهره: بی‌جا، ١٤١٩.
٩. ابن عطیه، المحرر الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز، بیروت: دار ابن حزم، ١٤٢٣.
١٠. ابن کثیر، اسماعیل، تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دار ابن حزم، ١٤٢٠.
١١. ابن منظور، محمد، لسان العرب، بیروت: دارصادر، ١٤١٤.
١٢. ابن هشام، عبدالملک، السیره النبویه، بی‌جا، بی‌تا.
١٣. ابو السعود، ارشاد العقل السلیم، بیروت: مؤسسة التاریخ العربی، بی‌تا.
١٤. ابو حیان، البحر المحیط فی التفسیر، بیروت: دارالفکر، ١٤٢٠.
١٥. البغدادی، علی، لباب التأویل فی معانی التنزیل، بیروت: دارالکتب العلمیه، ١٤١٥.
١٦. البلاغی، الشیخ محمد جواد، آلاء الرحمن فی تفسیر قرآن، قم، موسسه البعثه، ١٤٢٠.
١٧. بغوی الشافعی، حسین بن مسعود، معالم التنزیل، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ١٤٢٠.
١٨. البقاعی، برهان‌الدین، نظم للدر فی تناسب الآیات و السور، بتحقیق: عبدالرزاق غلب المهدی، بیروت: دارالکتب العلمیه، ١٤٢٤.
١٩. البیضاوی، عبدالله، انوار التنزیل و اسرار التأویل، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ١٤١٨.
٢٠. التفتازانی، مسعود، المطول فی شرح تلخیص المفتاح، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ١٤٢٥.
٢١. الثعلبی، احمد، الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، بتحقیق: عدة من المحققین، ط ١، جدّه: دارالتفسیر، ١٤٣٦.
٢٢. الحاکم، ابوعبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ط ١، بیروت: دارالکتب العلمیه، ١٤١١.
٢٣. الحقی، اسماعیل، تفسیر روح البیان، بیروت: دارالفکر، بی‌تا.
٢٤. الحلبي، برهان‌الدین، السیره الحلبیه، مصر: مصطفى البابی، بی‌تا.

۲۵. الحویّ، سعید، الأساس فی التفسیر، ط ۲، قاهره: دارالسلام، ۱۴۰۹.
۲۶. دروزه، محمد، التفسیر الحدیث، ط ۲، قاهره: دارالکتب العربیة، ۱۴۲۱.
۲۷. الرازی، فخرالدین، التفسیر الکبیر، ط ۱، بیروت: داراحیاء التراث العربی، بی تا.
۲۸. الزحیلی، وهبة، التفسیر المنیر، ط ۳، دمشق: دارالفکر، ۱۴۲۴.
۲۹. الزمخشری، محمود، الکشاف، بی جا، بی تا.
۳۰. سید قطب، فی ظلال القرآن الکریم، بیروت: دارالشروق النشر و التوزیع، بی تا.
۳۱. السیوطی، عبدالرحمان، الدرالمثور فی التفسیر بالمأثور، ط ۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۳۲. الشنقیطی، محمد، أضواء البیان فی ایضاح القرآن بالقرآن، ط ۱، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۳۱.
۳۳. طبرانی، ابوالقاسم، المعجم الکبیر، ط ۲، قاهره: مکتب ابن التیمیة، بی تا.
۳۴. الطبری، ابن جریر، تاریخ الامم و الملوک، بی جا، بی تا.
۳۵. الطبری، محمد، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفة، بی تا.
۳۶. رشید رضا، تفسیر المنار، ط ۱، بیروت: داراحیاء التراث العربی، بی تا.
۳۷. القرطبی، محمد، الجامع الاحکام القرآن، ط ۱، بیروت: دار ابن حزم، ۱۴۲۵.
۳۸. الطیبی، حسین، فتوح الغیب فی الكشف عن قناع الريب، بتحقیق: محمد سلطان العلماء، ط ۱، بیروت: دارالکتب، ۱۴۳۴.
۳۹. مقاتل بن سلیمان، تفسیر القرآن، ط ۱، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۴.
۴۰. ملاحوشیر، آل غازی، بیان المعانی، دمشق: مطبعة الترقی، ۱۳۸۲.
۴۱. النحاس، احمد، اعراب القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۱.
۴۲. النیشابوری، حسن، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، ط ۱، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۶.
۴۳. الواحدي، علی، اسباب النزول، ط ۱، بیروت: دارالکتب العلمیة، بی تا.
۴۴. هیثمی الشافعی، نورالدین، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، قاهره: مکتبه القدسی، ۱۴۱۴.

(ب) منابع عربی شیعی

۴۵. البحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت، ۱۴۱۶.
۴۶. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، نجف: مکتبه الحیدریه، ۱۳۷۶ ق.
۴۷. الحسکانی، عبدالله، شواهد التنزیل لقواعد التفصیل، تهران: وزارت ارشاد، ۱۴۱۱.
۴۸. السبزواری، سید عبدالاعلی، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، ط ۵، قم: منشورات ذوالقربی، ۱۴۳۲.
۴۹. السمرقندی، محمد، تفسیر بحر العلوم، بی جا، بی تا.
۵۰. الشوکانی، محمد، فتح القدير، دمشق: دار ابن کثیر، ۱۴۱۴.
۵۱. الصادقی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، ط ۱، بیروت: مؤسسة الامیره، بی تا.

۵۲. الطباطبائی، سید محمد حسین، **المیران فی تفسیر القرآن**، ط ۵، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۴۱۷.
۵۳. الطبرسی، احمد، **الاحتجاج علی اهل اللجاج**، ط ۱، مشهد: بی‌جا، ۱۴۰۳.
۵۴. الطبرسی، فضل، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، بتحقیق: الرسولی المحلاتی، ط ۱، بیروت: مؤسسة التاریخ العربی، ۱۴۲۹.
۵۵. الطریخی، فخرالدین، **مجمع البحرین**، ط ۳، تهران: کتاب‌فروشی مرتضوی، ۱۳۷۵ ش.
۵۶. الطوسی، محمد بن الحسن، **التبیان فی تفسیر القرآن**، بتحقیق: حبیب قیصر العاملی، قم: انتشارات ذوی القربی، ۱۴۳۱.
۵۷. عاشور، سید علی، **الجواهر فی تفسیر القرآن بروایة امیرالمؤمنین علی و اهل بیته الطاهرین**، ط ۱، بیروت: دارنظیر عبّود، ۱۴۳۱.
۵۸. العاملی، سید جعفر مرتضی، **الصحیح من سیرة النبی الاعظم**، بیروت: دارالهادی، ۱۴۱۵.
۵۹. العیاشی، محمد، **تفسیر القرآن الکریم**، بتحقیق: الرسول المحلاتی، ط ۲، بیروت: مؤسسه الاعلمی، ۱۴۳۱.
۶۰. الفرات، **تفسیر الفرات**، بتحقیق: محمد الکاظم، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی، ۱۴۱۳.
۶۱. الفلسفی، یحیی، **قدوة التفاسیر فی المأثور عن خاتم الانبیاء المرسلین**، ط ۱، بیروت: مؤسسه البلاغ، ۱۴۳۱.
۶۲. القمی، علی، **تفسیر القمی**، بتحقیق: سید محمدباقر الطحی، ط ۱، قم: مؤسسه الامام المهدي (عج)، ۱۴۳۵.
۶۳. القمی، محمد، **کنز الدقایق و بحر الغرائب**، ط ۱، تهران: انتشارات وزارت و ارشاد، ۱۳۶۸ ش.
۶۴. فیض کاشانی، ملا محسن، **تفسیر الصافی**، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۹ ق.
۶۵. الکلینی، محمد، **الکافی**، ط ۲، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲ ش.
۶۶. المحلی و سیوطی، **تفسیر الجلالین**، ط ۱، بیروت: مؤسسه النور، ۱۴۱۶.
۶۷. محمودی محمدجواد، **الامالی (ترتیب الامالی)**، ط ۲، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۳۰.
۶۸. مجلسی، محم باقر، **بحار الانوار**، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳.
۶۹. مصطفوی، حسن، **فی التحقیق کلمات القرآن**، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ ش.
۷۰. معرفت، محمدهادی، **التفسیر الاثری الجامع**، ط ۱، قم: مؤسسه التمهید، ۱۴۲۹.
۷۱. مغنیه، محمدجواد، **التفسیر الکاشف**، ط ۴، بی‌نا، مؤسسه دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۲۸.
۷۲. حویزی، عبد علی بن جمعه (عروس حویزی)، **تفسیر نور الثقلین**، قم: مطبعه العلمیه، ۱۳۸۳ ش.
۷۳. یوسفی، محمدهادی، **موسوعة التاریخ الاسلامی**، قم: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۱۷.

ج) منابع فارسی

۷۴. ابوالفتح رازی، حسین، **روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن**، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸.

۷۵. بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین بن علی، *دلایل النبوه و معرفه احوال الشریعه*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی (مرکز انتشارات علمی و فرهنگی)، ۱۳۶۱ ش.
۷۶. جوادی، عبدالله، *تسنیم، تفسیر القرآن*، ط ۳، قم: مرکز اسراء، ۱۳۸۵ ش.
۷۷. حسینی، سید مصطفی، *دائرة المعارف الاسلامی*، ط ۱، بی نا، بی جا، ۱۳۷۹ ش.
۷۸. سبحانی جعفر، *فروغ ابدیت*، قم: بی جا، ۱۳۷۶ ش.
۷۹. ۷. -----، *فروغ ولایت*، قم: موسسه امام صادق، ۱۳۸۴ ش.
۸۰. طیب، عبدالحسین، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، بی جا، ۱۳۸۷.
۸۱. ۸. قرائتی، محسن، *تفسیر نور*، ط ۱۳، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۹۷ ش.
۸۲. قرشی، علی اکبر، *تفسیر احسن الحدیث*، تهران: بنیاد بعثت، ۱۴۲۰.
۸۳. مکارم، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۷.

Bibliography

- The Holy Qur'an;
- Abū-Ḥayyān, Muḥammad b. Yūsuf, al-Baḥr al-Muḥīṭ fī al-Tafsīr, Beirut: Dār al-Fikr, 1999.
- Abul-Futūḥ Rāzī, Ḥusayn b. 'Alī, Rawḥ ul-Jinān wa Rūḥ ul-Janān fī Tafsīr-il-Qur'an, edited by Muḥammad-Ja'far Yāḥyaqqī & Muḥammad-Mahdī Nāṣiḥ. Mashhad: Bunyād-i Pazhūhish-hā-yi Āstān-i Quds-i Rażawī, 1986.
- Abul-Su'ūd, Muḥammad b. Muḥammad, Irshād al-'Aql al-Salīm ilā Mazāyā al-Kitāb al-Karīm, Beirut: Mu'assasa al-Tārīkh al-'Arabī, n.d.
- Ālūsī, Maḥmūd, Rūḥ al-Ma'anī fī Tafsīr al-Qur'an al-'Aẓīm, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyya, 1994.
- 'Amilī, Ja'far Murtaḍā, al-Ṣaḥīḥ min Sīra al-Nabī al-A'ẓam, Beirut: Dār al-Hādī, 1994.
- 'Ashūr, 'Alī, al-Jawāhir fī Tafsīr al-Qur'an bi Rawāya Amīr-al-Mu'minīn 'Alī wa Ahl-i Bayt-ih al-Ṭāhirīn, Beirut: Dār Naẓīr 'Abbūd, 2010.
- 'Ayyāshī, Muḥammad b. Mas'ūd, *Tafsīr al-'Ayyāshī*, edited by Sayyid Faḍlullāh Ṭabāṭabā'ī Yazdī and Sayyid Hāshim Rasūlī-Maḥallātī, Beirut: Mu'assasa al-'Alamī, 2010.

Baghawī, Ḥusayn b. Mas'ūd, Ma'alim al-Tanzīl, edited by 'Abdurrazāq al-Mahdī, Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī, 1999.

Baghdādī, 'Alī, Lubāb al-Ta'wīl fī Ma'anī al-Tanzīl, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyya, 1994.

Baḥrānī, Hāshim, *Al-Burhān fī Tafsīr al-Qur'an*, Tehran: Bunyād-i Bi'that, 1995.

Balāghī, Muḥammad, Tafsīr Aḥsan al-Ḥadīth, Tehran: Bunyād Bi'that, 2000.

Balkhī, Muqātil b. Sulaymān, Tafsīr Muqātil b. Sulaymān, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyya, 2003.

Bayḍāwī, 'Abdullāh b. 'Umar, Anwār al-Tanzīl wa Asrār al-Ta'wīl, edited by Muḥammad 'Abdul-Raḥmān al-Mar'ashlī, Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī, 1997.

Bayhaqī, Aḥmad b. Ḥusayn, Dalā'il al-Nubuwwa wa Ma'rifa Aḥwāl al-Sharī'a, translated by Maḥmud Mahdavi-Dāmghānī, Tehran: Markaz-i Intishārāt-i 'Ilmī va Farhangī, 1982.

Biqā'ī, abul-Ḥasan Ibrāhim b. 'Umar, *Naẓm al-Durar fī Tanāsūb al-Āyāt wa al-Suwar*, edited by 'Abdul-Razzāq Ghālib al-Mahdī, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyya, 1995.

Darwaza, Muḥammad, al-Tafsīr al-Ḥadīth, Cairo: Dār al-Kutub al-'Arabīyya, 2000.

Fakhr-al-Dīn Rāzī, Muḥammad b. 'Umar, Mafātīḥ al-Ghayb, Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī, ۱۹۹۹,

Falsafī, Yaḥyā, Qudwa al-Tafsīr fī al-Ma'thūr 'an Khātām al-Anbiā' al-Mursalīn, Beirut: Mu'assasa al-Balāgh, 2010.

Fayḍ-Kāshānī, Muḥammad b. Murtaḍā, al-Ṣāfī fī Tafsīr al-Qur'an, Beirut: Mu'assasa A'lamī, 1979.

Furāt Kūfī, Furāt b. Ibrāhīm, *Tafsīr Furāt Kūfī*, edited by Muḥammad al-Kāẓim, Beirut: Mu'assasa al-Tārīkh al-'Arabī, 1992.

Ḥākim-Nayshābūrī, Abū 'Abd-allāh, al-Mustadrak 'alā al-Ṣaḥīḥayn, edited by Muṣṭafā Abū 'Abd-al-Qādir 'Aṭā, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyya, 1991.

Ḥalabī, 'Alī b. Ibrāhīm, a-Sīra al-Ḥalabīyya, Cairo: Muṣṭafā Albābī, n.d.

Ḥaqqī-Burusavī, Ismā'īl, Tafsīr Rūḥ al-Bayān, Beirut: Dār al-Fikr, n.d.

Ḥaskānī, 'Ubaydullāh b. 'Abdullāh, Shawāhid al-Tanzīl li Qawā'id al-Taḥqīq, Tehran: Vizārat-i Farhang va Irshād-i Islāmī, ۱۹۹۱,

Ḥawwā, Sa'īd, al-Asās fī al-Tafsīr, Cairo: Dār al-Salām, 1989.

Haythamī, 'Alī b. Abī-Bakr, *Majma' al-Zawā'id wa Manba' al-Fawā'id*, Cairo: Maktaba al-Qudsī, 1993.

Ḥusaynī, Muṣṭafā, Dā'iratul-Ma'arif al-Islāmī, n.p.: n.p., 2000.

Ḥuwayzī, 'Abd-'Alī b. Jum'a, Tafsīr Nūr al-Thaqalayn, Qum: Maṭba'a al-'Ilmīyya, 2005.

Ibn Abī-al-Ḥadīd, 'Abdul-Ḥamīd b. Hibatullāh, *Sharḥ Nahj al-Balāgha*, n.p.: n.p., n.d.

Ibn 'Ajība, Aḥmad b. Muḥammad, al-Baḥr al-Madīd, edited by Aḥmad 'Abdullāh, Cairo: Ḥasan 'Abbās Zakī, 1998.

Ibn 'Arabī, Muḥammad b. 'Abdullāh, *Aḥkām al-Qur'an*, n.p.: n.p., n.d.

Ibn 'Ashūr, Muḥammad b. Ṭāhir, al-Taḥrīr wa al-Tanwīr, Beirut: Mu'assasa al-Tārīkh al-'Arabī, n.d.

Ibn Athīr al-Jazarī, 'Alī b. Abī al-Karam, *Usd al-Ghāba fī Ma'rifa al-Ṣaḥāba*, Beirut: al-Kutub al-'Ilmīyya, ۱۹۹۴,

Ibn 'Aṭīyya, 'AbdulḤaqq b. Ghālib, al-Muḥarrar al-Wajīz fī Tafsīr al-Kitāb al-'Azīz, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyya, ۲۰۰۱,

Ibn Ḥanbal, Aḥmad, Musnad, Beirut: Dār Ṣādir, n.d.

Ibn Hishām, 'Abd-al-Malik, al-Sīra al-Nabawīyya, n.p.: n.p., n.d.

Ibn Jawzī, 'AbdulRaḥmān b. 'Alī, *Zād al-Masār fī 'Ilm al-Tafsīr*, Beirut: Dār al-Kitāb al-'Arabī, n.d.

Ibn Kathīr, Ismā'īl b. 'Umar, Tafsīr al-Qur'an al-'Azīm, Beirut: Dār Ibn Ḥazm, 1999.

Ibn Manẓūr, Muḥammad b. Mukarram, Lisān al-'Arab, Beirut: Dār Ṣādir, 1993.

Ibn Shahr-Āshūb, Muḥammad b. 'Alī, *Manāqib Āl Abī-Ṭālib*, Najaf: Maktaba al-Ḥaydarīyya, 1957.

Jawādī-Amulī, 'Abdullāh, Tafsīr-i Tasnīm, Qum: Isrā', 1985.

- Kulaynī, Muḥammad b. Ya'qūb, al-Kāfī, Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyya, 1966.
- Maḥallī and Suyūṭī, Abū' Abdullāh Muḥammad b. Shihāb al-Dīn and 'Abdul-Raḥmān b. Abī-Bakr, Tafsīr al-Jalālayn, Beirut: Mu'assasa al-Nūr, 1995.
- Maḥmūdī, Muḥammad-Jawād, Tarīb al-Amālī, Qum: Mu'assasa al-Ma'arif al-Islāmīyya, 2009.
- Majlisī, Muḥammad-Bāqir, Biḥār al-Anwār, Beirut: Mu'assasa al-Wafā', ۱۹۸۳,
- Makārim-Shīrāzī, Nāṣir, *Tafsīr-i Nimūni*, Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyya, 1972.
- Ma'rifat, Muḥammad-Hādī, al-Tafsīr al-Atharī al-Jāmi', Qum: Mu'assasa al-Tamhīd, 2008.
- Mughnīya, Muḥammad-Jawād, Tafsīr al-Kāshif, Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyya, 2003.
- Mullā-Huwaysh Āl-Ghāzī, Bayān al-Ma'anī'alā Ḥasb Tartīb al-Nuzūl, Damascus: Maṭba'a al-Taraqī, 1962.
- Muṣṭafawī, Ḥasan, al-Taḥqīq fī Kalamāt al-Qur'an al-Karīm, Tehran: Vizārat-i Farhang va Irshād-i Islāmī, 1976.
- Naḥḥās, Aḥmad b. Muḥammad, Ir'āb al-Qur'an, Beirut: Dār al-Kutub al-Ilmīyya, 2000.
- Nayshābūrī, Ḥasan b. Muḥammad, Gharā'ib al-Qur'an wa Raghā'ib al-Furqān, Beirut: Dār al-Kutub al-Ilmīyya, 1995.
- Qirā'atī, Muḥsin, Tafsīr-i Nūr, Tehran: Markaz-i Farhangī-i Dars-hā-i Qur'an, 2004.
- Qummī, 'Alī b. Ibrāhīm, Tafsīr al-Qummī, edited by Sayyid Muḥammad-Bāqir Abṭāḥī, Qum: Mu'assasa al-Imām al-Mahdī, 2014.
- Qummī-Mashhadī, Muḥammad, Kanz al-Daqā'iq wa Baḥr al-Gharā'ib, Tehran: Vizārat-i Farhang va Irshād-i Islāmī, 1989.
- Qurashī, 'Alī-Akbar, Tafsīr Aḥsan al-Ḥadīth, Tehran: Bunyād Bi'tha, ۱۹۹۸,

Qurṭubī, Muḥammad b. Aḥmad, al-Jāmi' li-Āyāt al-Aḥkām, Beirut: Dār Ibn Ḥazm, 2004.

Rashīd Riḍā, Muḥammad, *Tafsīr al-Minār*, Beirut: Dār al-Kutub al-ʿIlmiyya, 1986.

Sabzivārī, ʿAbdul-Aʿlā, Mawāhib al-Raḥmān fī Tafsīr al-Qurʿan, Qum: Dhawil-Qurbā, 2011.

Ṣādiqī-Tihriānī, Muḥammad, al-Furqān fī Tafsīr al-Qurʿan, Beirut: Muʿassasa al-Amīra, n.d.

Samarqandī, Naṣr b. Muḥammad, Baḥr al-Ulūm, Beirut: Dār al-Fikr, n.d.

Sayyid Raḍī, Muḥammad b. Ḥusayn, *Nahj al-Balāgha*, translated into Persian by Muḥammad Dāshī, Qum: Ḥuḍūr, 2000.

Shādhilī, Sayyid b. Quṭb b. Ibrāhīm, Fī Zilāl al-Qurʿan, Beirut and Cairo: Dār al-Shurūq, 1992.

Shanqīṭī, Muḥammad, Aḍwāʾ al-Bayān fī Ḍāḥ al-Qurʿan bi al-Qurʿan, Beirut: Dār Iḥyāʾ al-Turāth al-ʿArabī, 2010.

Shawkānī, Muḥammad b. ʿAlī, Faḥ al-Qadīr, Damascus: Dār Ibn Kathīr and Dār al-Kalim al-Tayyib, ۱۹۹۳,

Subḥānī, Jaʿfar, Furūgh-i Abadīyyat, Qum: n.p., 1997.

Subḥānī, Jaʿfar, Furūgh-i Vilāyat, Qum: Muʿassasa Imām Ṣādiq, 2005.

Suyūṭī, ʿAbdul-Raḥmān b. Abī-Bakr, al-Durr al-Manthūr fī Tafsīr al-Manthūr, Beirut: Dār Iḥyāʾ al-Turāth al-ʿArabī, n.d.

Ṭabarānī, Sulaymān b. Aḥmad, al-Muʿjam al-Kabīr, edited by Ḥamdī b. ʿAbd-al-Majīd, Cairo and Riyadh: Maktaba Ibn-Taymīyya, 1994.

Ṭabarī, Muḥammad b. Jarīr, Jāmiʾ al-Bayān ʿan Taʾwīl Āy al-Qurʿan, Beirut: Dār al-Maʿrifā, 1991.

Ṭabarī, Muḥammad b. Jarīr, Tārīkh al-Umam wal Mulūk, Beirut: Dār al-Turāth, 1967.

Ṭabarsī, Aḥmad b. ʿAlī, al-Iḥtijāj ʿalā Ahl al-Lijāj, Mashhad: n.p., 1983.

Ṭabāṭabā'ī, Muḥammad-Ḥusayn, al-Mīzān fī Tafsīr al-Qur'an, Qum: Daftar-i Intishārāt-i Islāmī-i Jāmi'a-yi Mudarrisīn-i Ḥawza-yi 'Ilmīyyah-yi Qum, 1995.

Ṭabrisī, Faḍl b. Ḥasan, Majma' al-Bayān fī Tafsīr al-Qur'an, edited by Sayyid Faḍlullāh Ṭabāṭabā'ī Yazdī and Sayyid Hāshim Rasūlī-Maḥallātī, Beirut: Mu'assasa al-Tārīkh al-'Arabī, 2008.

Taftāzānī, Mas'ūd, al-Muṭawwal fī Sharḥ Talkhīṣ al-Miftāḥ, Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī, 2004.

Ṭayyib, Abdul-Ḥusayn, Aṭyab al-Bayān fī Tafsīr al-Qur'an, Tehran: Islām, 1999.

Ṭayyibī, Ḥusayn, Futūḥ al-Ghayb fī al-Kashf 'an Qinā' al-Rayb, edited by Muḥammad Sulṭān-al-'Ulamā', Beirut: Dār al-Kutub, ۲۰۱۳.

Tha'labī-Nayshābūrī, Aḥmad b. Ibrāhīm, al-Kashf wa al-Bayān 'an Tafsīr al-Qur'an, Jeddah: Dār al-Tafsīr, 2015.

Ṭurayḥī, Fakhr al-Dīn Muḥammad, Majma' al-Baḥrayn wa Maṭla' al-Nayyirayn, Tehran: Kitābforūshī Murtaḍawī, 1996.

Ṭūsī, Muḥammad b. al-Ḥasan b. 'Alī, al-Tibyān fī Tafsīr al-Qur'an, edited by Aḥmad Ḥabīb Qaṣīr al-'Āmilī, Qum: Dhawil-Qurbā, 2010.

Wāḥidī, 'Alī b. Muḥammad, Asbāb Nuzūl al-Qur'an, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyya, n.d.

Yūsifī, Muḥammad-Hādī, Mawsū'a al-Tārīkh al-Islāmī, Qum: Majma' al-Fikr al-Islāmī, 1997.

Zamaksharī, Maḥmūd, al-Kashshāf 'an Ḥaqā'iq al-Ta'wīl wa Ghawāmiḍ al-Tanzīl, n.p.: n.p., n.d.

Zuḥaylī, Wahba b. Muṣṭafā, al-Tafsīr al-Munīr fī al-'Aqīda wa al-Sharī'a wa al-Minhaj, Beirut: Dār al-Fikr, 1997.



فهرست مقالات

- ۹..... بررسی فقه‌الحدیثی و دیدگاه مفسران درباره روایت «حُبُّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ حَسَنَةٌ...»
عبدالعلی پاکزاد | محمود قیوم زاده
- ۳۷ نقد و بررسی شأن نزول آیه ۲۰۷ بقره در روایات فریقین
عزت اله مولایی نیا
- ۶۵..... بررسی «هدایت» در آیه ۲۱ سوره ابراهیم در میراث تفسیری از ره گذر سیاق و تقابل
محسن دیمه‌کار گراب | سیده فرناز اتحاد
- ۹۱ واکاوی تطبیقی دیدگاه مفسران درباره آیه ۶ سوره یس
کرم سیاوشی | محمد صالح جباری
- ۱۱۷..... بازشناسی ماهیت و مؤلفه‌های بدعت از دیدگاه مفسران
محمدجواد جاوری | سید محمدعلی ایازی
- ۱۴۷ واکاوی نقدهای ابن عادل بر زمخشری در برداشت‌های کلامی- ادبی از آیات در تفاسیر اللباب و الکشاف
کیوان احسانی
- ۱۷۱..... مخاطب‌شناسی در آیه ۱۲۶ سوره نحل
محمدحسین واثقی راد
- ۱۹۱ بررسی و تحلیل آراء مفسران قرآن از مفهوم «اصطفاء» و «عالمین» در آیه ۴۲ سوره آل عمران
داود اسماعیلی
- ۲۱۹..... تفسیر آیه یازدهم سوره رعد از نگاه مفسران فریقین
محمدجواد اسکندرلو
- ۲۴۳..... اعتبارسنجی روایات فریقین درباره مصادیق آیه ۱۰۱ سوره انبیاء
میثم کهن‌ترانی
- ۲۷۳..... دلالت‌سنجی واژه «البیان» در آیه «علمه البیان» بر نطق و تکلم انسان از نگاه مفسران فریقین
احمد کریمی | فیروز اصلانی الوار
- ۲۹۵ ارزیابی دیدگاه مفسران درباره «قدم صدق» در سوره یونس، با رویکرد سازگاری سیاق آیات با روایات تفسیری با تأکید بر روایات امامیه
مرضیه قدوسی | سیدمهدی مرتضوی | عاطفه زرسازان

